

# سفر به سرزمین ایمان؛ یمن

بخش پایانی

کلمه علامه محمدتقی عثمانی

نائب رئیس مجمع فقه اسلامی جدّه

و نائب رئیس جامعه دارالعلوم کراچی

ترجمه: امرالله بامری AMR\_Bi@hotmail.com

شهر صنعاء به تصرف وی و هواداران فریب خورده اش در می آید. حکومت اسود عنسی چندان به طول نمی انجامد و حضرت فیروز دیلمی رضی الله عنه که از ساکنین صنعاء بود وی را به قتل می رساند و صنعاء را از سیطره او آزاد می کند. قتل اسود عنسی درست هنگامی رخ می دهد که حضرت پیامبر اکرم در حال احتضار قرار داشت و این خبر از طریق وحی به ایشان رسید و آن حضرت آن را به اطلاع اصحاب رساند. این شهر بعد از آن همواره در دست مسلمانان و در قلمرو عالم اسلام بوده است.

ما می خواستیم به دیدن قدیمی ترین قسمت شهر برویم. با گذشتن از محله های جدید شهر وقت نماز مغرب فرارسید، برای خواندن نماز به مسجدی در آن نزدیکی رفتیم. بعد از نماز مغرب شیخ عادل ما را به محله ای قدیمی برد که بناهای قدیمی و تاریخی ای در آن وجود داشت. در آنجا اتاقی بود که درب آن قفل بود؛ شیخ عادل گفت در این اتاق دو مقبره وجود دارد که یکی متعلق به حضرت «فروه بن مسک» رضی الله عنه و دیگری متعلق به علامه «محمد بن ابراهیم بن الوزیر الصنعانی» می باشد.

حضرت فروه بن مسک رضی الله عنه یکی از اصحاب جلیل القدر بودند که در سال نهم هجری (و طبق روایتی سال یازدهم) برای دیدن حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه تشریف بردند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وی را به نمایندگی خود به سوی قبیله اش «بنی مراد» و «بنی مذحج» فرستادند<sup>(۱)</sup>. ممکن است قبور بسیاری از صحابه در شهر صنعاء وجود داشته باشد اما

بعد از مقداری استراحت در هتل، قبل از غروب آفتاب به همراه راهنمای مان شیخ حسن عادل امین برای بازدید از برخی مناطق دیدنی شهر صنعاء از هتل خارج شدیم. در این گردش جناب مولانا سمیع الحق نیز با ما همراه بود. با ماشین از محله های مختلف شهر عبور کردیم. صنعاء یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیا به شمار می رود که امروزه نیز آثار قدمت در آن به وضوح آشکار است. بعضی از مورخین نوشته اند که نوه حضرت نوح علیه السلام «غمدان بن سام» اولین کسی بوده است که بنیاد این شهر را گذاشته است<sup>(۲)</sup>. در ابتدا از این شهر با نام «ازال» که نام یکی از فرزندان حضرت نوح (ع) بوده یاد می شده است. وقتی ساکنین حبشه (اتیوپی کنونی) به این منطقه مهاجرت می کنند با دیدن خانه های محکمی که از تخته سنگهای بزرگ ساخته شده بود فریاد زدند «صنعه! صنعه!»، صنعه واژه ای است حبشی به معنای محکم، و به این ترتیب این شهر صنعاء نام گرفت<sup>(۳)</sup>.

شهر صنعاء از دیرباز مهد تمدنهای کهن بوده است. این منطقه در زمان پیامبر گرامی اسلام تحت سیطره خسرو پرویز پادشاه ایران بود و حاکمی به نام «باذان» از سوی وی در این شهر حکومت می کرد. پس از ظهور اسلام باذان مشرف به دین مبین اسلام گردید و آن حضرت صلی الله علیه وسلم نیز وی را همچنان در سمتش ابقا کرد<sup>(۴)</sup>.

در آخرین روزهای حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم، یکی از مدعیان دروغین نبوت به نام اسود عنسی در شهر صنعاء ظهور می کند، بسیاری از مردم فریب وی را می خورند و حضرت باذان به دست اسود عنسی به شهادت می رسد و

شیخ عادل می گفت از میان تمامی آنان فقط قبر حضرت فروه در اینجا مشخص و مشهور شده است، به احترام حضرت فروه بن مسک نام آن محله و نام مسجد آن را «مسک» گذاشته اند. تعدادی از بچه ها که در آن نزدیکی مشغول بازی بودند متوجه شدند که ما اهل این منطقه نیستیم، یکی از آنها پس از چند دقیقه با کلید اتاق و یک عدد شمع برگشت. درب اتاق را باز کردیم و از آنجایی که اتاق کاملاً تاریک بود شمع را روشن کردیم. داخل اتاق به شکل غاری به نظر می رسید و دو قبر در زیر نور شمع نمایان شدند؛ سلام عرض کرده و فاتحه خواندیم.

علامه محمد بن ابراهیم الوزير الصنعانی یکی از علماء معروف قرن هشتم و نهم هجری سرزمین یمن بوده که کتاب بی شماری نگاشته است، از میان نوشته هایشان دو کتاب «العواصم والقواصم فی الذب عن سنة ابي القاسم» و «الروض الباسم» مشهور و معروف اند. ایشان در عصر حافظ ابن حجر رحمه الله می زیسته و تمام اعضای خانواده اش زیدی بوده اند. حافظ ابن حجر بعد از تذکره برادر ایشان «علامه هادی بن ابراهیم» در مورد وی می فرماید: «مقبل علی الاشتغال بالحديث، شدید الميل الی السنة بخلاف اهل بئته»؛ «علاقة خاصی به اشتغال به علم حدیث دارد و بر عکس برخی از اعضای خانواده اش تمایل شدیدی به سنت دارد.

حافظ سخاوی بعد از اینکه در کتاب «الضوء اللامع» به تعریف از ایشان می پردازد، می گوید: من معتقدم که ایشان کتاب «العواصم والقواصم» را برای تردید در مورد برخی از اعتقادات مذهب زیدیه نگاشته اند.

باید گفت علامه محمد بن ابراهیم در مسائل فقهی متکی به آرای هیچ یک از ائمه فقه نبودند و در علم حدیث و فقه اجتهاد می کردند. علامه شوکانی کم و بیش روش ایشان را اختیار کرده اند و علامه محمد بن ابراهیم را «مجتهد مطلق» می دانند و در مورد کمالات وی عبارات عجیب زیر را نوشته اند:

«بی گمان اگر علوم اساتید وی یکجا جمع شوند به علوم و دانش وی نخواهند رسید و (برای او) همین مقدار کافی است... و اگر ادعا کنم که یمن همچون او به خود ندیده است از راه صواب به دور نیستیم».

بیشتر عمر علامه محمد بن ابراهیم در مجادلات و مناظرات علمی با هم عصرانش گذشته است، اما در آخر عمر ایشان خود را وقف عبادت کرده و برگزیده خود که در مجادلات و مناظرات با معاصرانش گذشته است افسوس می خورند.<sup>(۵)</sup>

ما از آنجا خارج شده و به راهمان ادامه دادیم. رفته رفته بناهای قدیمی شهر صنعاء به چشم می آمد. این بخش از شهر

به صورت قلعه بود و با دیوارهای قدیمی و بلند احاطه شده بود، وقتی از یکی از دروازه های ورودی وارد آن قسمت شدیم، من احساس کردم که به یکی از شهرهای چندین سده قبل رفته ام؛ هنوز هم در گوشه و کنار جهان شهرهایی با قدمت زیاد و با قلعه های کهن وجود دارد که خوشبختانه موفق به دیدن بسیاری از آنها شده ام، اما این شهر خصوصیت ممتازی داشت چرا که این قسمت از شهر با وجود قدمت آن هنوز هم پر رونق است و در تمام نقاط آن مردم زندگی می کنند، حتی که از نظر نظافت و نظم شهری این قسمت از شهر از قسمتهای جدید آن پیشرفته تر به نظر می رسد.

کف خیابانها و کوچه ها به سبک معماری قدیم سنگ فرش است و هیچ گونه آثار تخریب و پوسیدگی ای در آنها به چشم نمی خورد. هدف اصلی ما از آمدن به این قسمت شهر دیدن از مسجد «الجامع الکبیر» بزرگترین و قدیمی ترین مسجد شهر صنعاء بود. این مسجد در عصر پیامبر گرامی ساخته شده است. گفته شده است که زمین این مسجد باغی بوده که به حضرت باذان تعلق داشته است و ایشان پس از اینکه به عنوان حاکم صنعاء ابقا می شوند، باغ را برای ساختن مسجد وقف می کنند. کار ساخت مسجد به دست یکی دیگر از یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم به نام ویر بن یحس انجام شده است. حضرت ویر رضی الله عنه در سال دهم هجری به خدمت پیامبر حاضر شد و در راه بازگشت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به وی دستور ساخت مسجدی را در شهر صنعاء دادند و ایشان نیز مسجد مذکور را ساختند.<sup>(۶)</sup>

امروزه مسجد بسیار توسعه یافته است. مسجد به دو بخش که یکی در جهت قبله و دیگری در قسمت جنوب واقع شده، تقسیم می شود. در وسط مسجد صحن بزرگی وجود دارد. در بخش جنوبی مسجد دو ستون ساخته شده که بر بالای یکی «منقوره» و بر دیگری «مسموره» نقش بسته است؛ قسمت میانی این دو ستون محدوده همان مسجدی است که حضرت ویر بن یحس آن را ساخته است.

برای وضو به سمت وضوخانه حرکت کردیم ولی با چیز غیرمنتظره ای مواجه شدیم؛ در میان مسجد و وضوخانه حوض آب کم عمقی قرار داشت که مردم از میان آن عبور می کردند! ابتدا به دنبال راه برای رسیدن به وضوخانه گشتیم اما برای رسیدن به وضوخانه هیچ راهی جز عبور از میان آب حوض نبود. راهنمایمان گفت: چاره ای ندارید جز اینکه کفشها را در آورده و از میان حوض عبور کنید. این چیز برای من سؤال برانگیز شده بود ولی از آنجایی که وقت نماز نزدیک بود چاره ای جز اطاعت نداشتم. بعد از وضو به مسجد بازگشتیم، بعد متوجه شدیم که آن حوض در میان وضوخانه و مسجد



خیلی دوست داشتم این منطقه را از نزدیک ببینم اما از آنجایی که برای روز یکشنبه بلیط داشتم نمی توانستم به آنجا بروم، اگر به آنجا می رفتم به پرواز نمی رسیدم. شیخ عبدالمجید الزندانی نیز همین نظر را داشت، او گفت: دلم می خواهد که شما آنجا را ببینید اما از آنجایی که راه آن منطقه صعب العبور است ممکن است به علت تأخیر و خستگی راه از پرواز عقب بمانید. من حاضر شدم برای دیدن سد مآرب یک روز دیگر در یمن بمانم اما بعد از تلاشی که انجام گرفت متوجه شدیم تا چندین روز دیگر پروازی به کراچی وجود ندارد و بازگشتم

چند روز به تأخیر می افتاد. به ناچار و با دلی ناخواسته برنامه رفتن به سد مآرب را لغو کردم. صبح روز بعد به جای رفتن به سد مآرب تصمیم گرفتم به دیدن موزه و کتابخانه کتابهای خطی و منطقه «ضروان» بروم. ابتدا به دیدن موزه رفتیم. این موزه را یکی از حاکمان صنعاء به نام «شیخ مرتضی» که از علمای صنعاء بوده بنا نموده است

که آثار بی شماری از فرهنگ و تمدن کهن یمن در آن نگهداری می شود؛ در میان آنها اشیای به جای مانده از قوم سبا، حمیر و آثاری از تمدن اسلامی به چشم می خورد. اما بسی جای تأسف است که بسیاری از آثار و سرمایه های تاریخی این سرزمین توسط افراد خارجی غیرمسلمان به یغما رفته است و تعدادی از آنان به موزه های کشورهای غربی و اروپایی فروخته شده است.

از موزه خارج شده و به قسمت قدیمی شهر رفتیم، دروازه ورودی آن زیبایی و شکوه خاصی داشت، شاید این دروازه همان دروازه ای باشد که هنگام حفر خندق به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نشان داده شده و آن حضرت با اطلاع یافتن از طریق وحی از تسلط مسلمانان بر این سرزمین خبر داد<sup>(۱)</sup>.

در یکی از احادیث از میوه ای به نام ترنج یاد شده که حضرت

برای رعایت هرچه بیشتر نظافت ساخته شده است تا احتمال اینکه کسی با پای آلوده داخل مسجد شود کاملاً منتفی گردد. نماز خواندن در این مسجد قدیمی لطف عجیبی داشت. بعد از نماز با امام مسجد آشنا شدیم و ایشان با محبت خاصی قسمتهای مختلف مسجد را به ما نشان داد. این مسجدی است که یاران بزرگوار رسول الله صلی الله علیه و سلم در آن نماز خوانده اند و کلاسهای درس محدثین، فقها و علماء بزرگواری در آن دایر بوده است. عطر و گرمی نفسهای آن قدسیان هنوز در فضای مسجد احساس می شد.

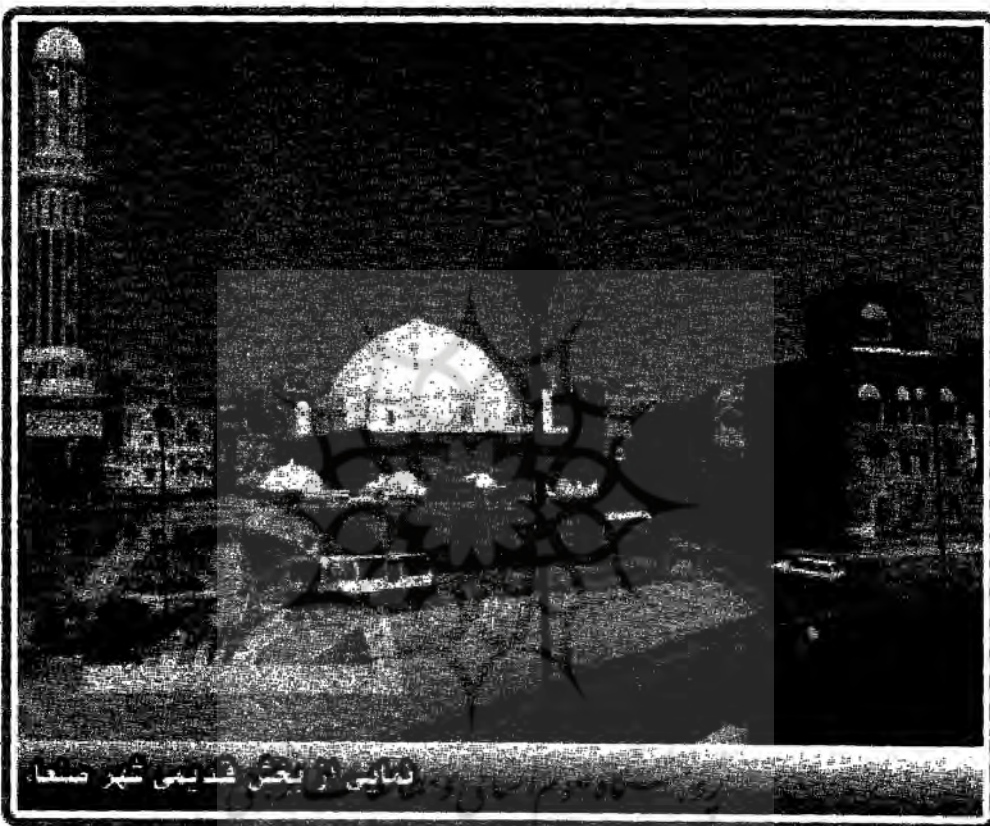
در قرون گذشته سرزمین یمن یکی از مراکز بزرگ علمی به شمار می رفته و علماء بی شماری از اقصی نقاط دنیا برای کسب علم و دانش به این سرزمین سفر کرده اند. امام احمد بن حنبل در مورد صنعاء می گویند: «لابد من صنعاء و ان طال السفر»؛ چاره ای از رفتن به صنعاء نیست گرچه سفر آن طولانی شود.

امام احمد برای تحقیق و کسب علوم حدیث به صنعاء سفر کرده و مدت مدیدی را در آنجا در نزد محدث مشهور «امام عبدالزراق صنعانی» مشغول به تعلم بوده است.

مسجد «الجامع الکبیر» دارای کتابخانه بزرگی است و کتابهای خطی نادری در آن نگهداری می شود. ما به علت آنکه کتابخانه تعطیل بود نتوانستیم از آن دیدن کنیم.

شیخ عادل تدارک شام دیده بودند، بعد از نماز به خانه وی رفتیم، علمای دیگری نیز در آن ضیافت حضور داشتند. بعد از صرف شام و دیدار با علماء ساعت یازده به هتل بازگشتیم.

در فاصله ۲۵۰ کیلومتری شهر صنعاء شهر «مآرب» قرار دارد که ذکر آن در قرآن آمده و محل سکونت قوم «سبا» بوده است. امروزه نیز مقداری از آثار به جای مانده از سد مآرب که در سوره «سبا» به آن اشاره شده است در این منطقه مشاهده می شود.



نمایی از بخش قدیمی شهر صنعاء



همه میهمانان برای نهار میهمان «جمعیة الاصلاح» بودند؛ صنعاء شهری است کوهستانی که در میان دو کوه «عیبان» و «نقم» واقع شده است، بر بالای کوه عیبان تفریحگاه کوچکی قرار دارد که مجهز به رستوران است، برنامه ضیافت در آن رستوران و در فضایی نیمه باز انجام شد. ساعت دو بعد از ظهر یکی از روزهای ماه ژوئن بود و هوا خنکی و لطافت دل انگیزی داشت.

### در ضروان

در فاصله هیجده کیلومتری شهر صنعاء منطقه ای است به نام «ضروان»، در بسیاری از روایات آمده است که واقعه «اصحاب الجنة» که ذکرش در سوره «القلم» آمده است در منطقه ضروان اتفاق افتاده است. خلاصه داستان از این قرار است که شخصی صالح و نیکوکار باغی وسیع و پر از درختان انواع میوه جات و مرکبات داشت. این شخص همیشه قبل از برداشت محصول مقدار قابل توجهی از محصولات باغ را در میان فقراء و مستمندان تقسیم می کرد. با وفات او باغ به فرزندان ناصالحش رسید، آنان از انجام کارهای نیک او سر باز زدند و گفتند: پدرمان دیوانه بوده که سرمایه اش را بین دیگران تقسیم می کرده است، ما این کار احمقانه را هرگز انجام نمی دهیم. با فرا رسیدن فصل برداشت محصول نقشه ای طرح کردند تا هیچ کس نتواند حتی به باغ آنها نزدیک شود. شب را با این اندیشه به صبح رساندند و صبح هنگام با غرور به سوی باغشان رفتند اما با چیز غیرمنتظره ای برخوردند. خداوند در مقابل این عملشان تمامی باغ را در آن شب تبدیل به تلی از خاکستر گرداند و هیچ چیز از باغ و محصولاتش باقی نگذاشت. خداوند متعال این واقعه را برای عبرت بیان داشته است، اما ذکری از محل وقوع آن در قرآن کریم نیامده است. بعضی از مفسرین معتقدند این واقعه در حبشه (اتیوپی) اتفاق افتاده است. اما اکثر مفسرین بر این نظرند که محل واقعه در یمن بوده است. علامه ابن کثیر از تابعی مشهور حضرت سعید بن جبیر رحمه الله نقل می کند: «کانوا من قرية یقال لها ضروان، علی سة امیال من صنعاء»<sup>(۸)</sup>؛ آنان ساکن روستایی به نام ضروان بودند که در شش مایلی صنعاء قرار دارد. امروزه این روستا در فاصله کمی از شهر صنعاء قرار گرفته است (البته با این تفاوت که به جای ضروان به آن «ذروان» می گویند) علمای منطقه معتقد بودند که این روستا همان محلی است که قرآن در سوره قلم به آن اشاره کرده است.

تصمیم گرفتم قبل از پایان وقت سفر از این منطقه که قرآن با اهمیت خاصی به ذکرش پرداخته باز دیدی داشته باشم. قبل از ساعت هشت شب باید خودم را به فرودگاه می رساندم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد آن فرموده است که هم ذائقه و هم بوی خوبی دارد و کسی را که علم و دانش کسب کرده و برای تعلیم دیگران تلاش می کند به این میوه تشبیه کرده اند. من می دانستم که ترنج از محصولات کشور یمن است، به شیخ عادل گفتم که اگر در بازار این میوه یافته شود می خواهم مقداری از آن را با خود ببرم. شیخ عادل اتومبیل را نگه داشت و با هم برای خریدن ترنج به بازار رفتیم، اما متاسفانه به علت آنکه هنوز فصلش فرا نرسیده بود به بازار نیامده بود، در راه بازگشت با یکی از فروشندگان دوره گرد برخوردیم که مقداری از آن را برای فروش روی گاریش گذاشته بود. شیخ عادل برای امتحان یکی از آنان را خرید ولی هنوز نرسیده بود، ولی با وجود آن کمی شیرین بود و بوی خوشی داشت و صد البته که بعد از اینکه کاملاً برسد شیرین تر و خوشبو تر خواهد شد.

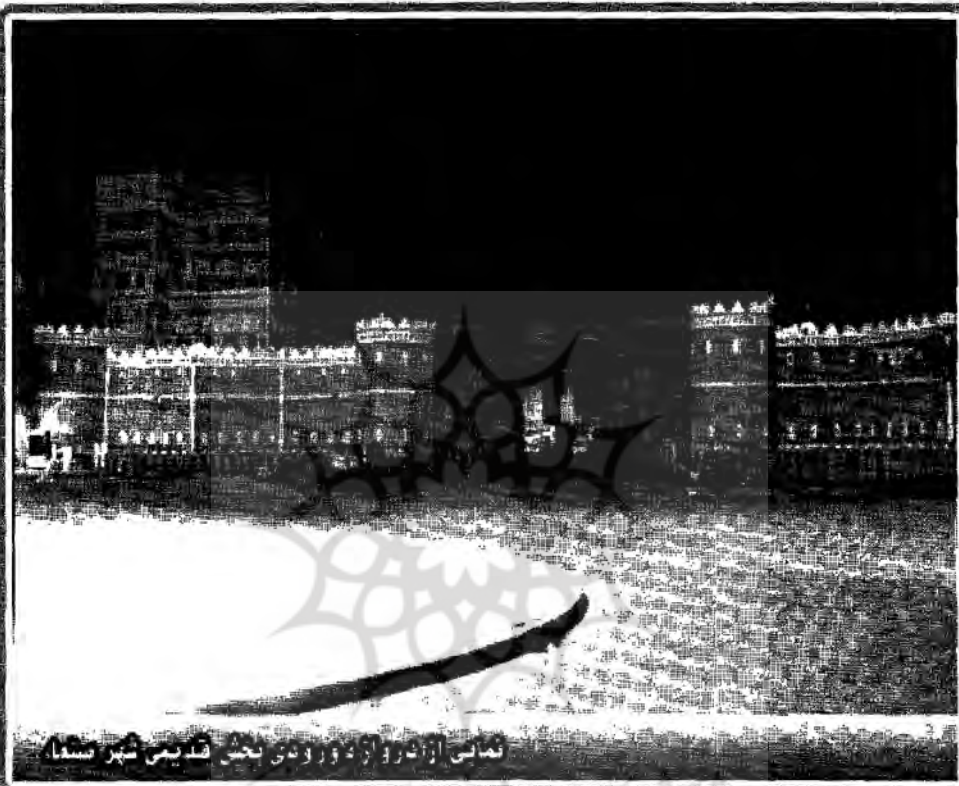
نماز ظهر را در مسجد «الجامع الکبیر» خواندیم و بعد از نماز برای دیدن کتابهای خطی به کتابخانه رفتیم. مهم ترین مشهورترین کتاب خطی این کتابخانه قرآنی است که در مورد آن گفته شده که با تلاش مشترک و دست خط حضرت علی، حضرت زید بن ثابت و حضرت سلمان فارسی (رضی الله عنهم) نگاشته شده است. قول دیگری در مورد این قرآن مشهور است که این قرآن یکی از آن نسخه هایی است که به دستور حضرت عثمان رضی الله عنه نوشته و به نقاط مختلف فرستاده شد و این همان نسخه ای است که به یمن فرستاده شده بود. گرچه در این زمینه هیچ مدرکی وجود ندارد اما علمای صنعاء می گویند این روایت سینه به سینه به تواتر رسیده است. در آخر این قرآن نام «علی بن ابوطالب» نوشته شده است، بعضی معتقدند این شخص حضرت امیر المؤمنین حضرت علی رضی الله عنه نیست چرا که در این صورت باید «علی بن ابی طالب» می نوشتند. برخی از علماء یمن معتقدند حضرت علی رضی الله عنه در بعضی مواقع به جای ابی طالب، ابوطالب می نوشته اند و البته می توان آن را از نظر نحوی توجیه کرد.

نسخه های بی شماری از قرآن های خطی سده اول تا چهارم هجری که بیشترشان بر روی پوست آهو نگاشته شده اند در این کتابخانه نگهداری می شوند. در نگارش آنها ظرافت فوق العاده ای به کار رفته است، بعضی از آنها به خط کوفی و برخی دیگر به خط حمیری و نسخ نگاشته شده اند. دست نوشته های متعلق به مصنفین بزرگ و مشهوری از جمله علامه ابن حجر در آنجا وجود دارد که اصل دست نوشته ها جهت حفاظت در قسمت خاصی از کتابخانه نگهداری می شود و برای بازدید فقط عکسهایی از آنها در معرض دید گذاشته شده است.



بعد از نیم ساعت به منطقه ضروان رسیدیم، امروزه در این منطقه روستای کوچکی که بازاری نیز دارد ساخته شده است. منطقه اصحاب الجنة مقداری دورتر از روستا قرار دارد. با سؤال از اهل روستا پیش رفتیم و بعد از گذشتن از میان کوهی به طرف پایین سرازیر شدیم. در این لحظه با منظره هولناکی روبرو شدیم؛ تمامی زمینها و کوه‌هایی را که تا آن نقطه پشت سر گذاشته بودیم رنگ طبیعی داشت، اما این نقطه که مشهور است که محل همان باغی است که بر آن عذاب الهی نازل شده، خاکش کاملاً سیاه و سوخته است، و تمام آن منطقه پوشیده از سنگهای نوک تیزی بود که راه رفتن را مشکل می ساخت. نقاط زیادی در دنیا وجود دارد که خاکش به رنگ سیاه است (مانند زمینهای حره که در اطراف مدینه منوره قرار دارند) اما این نقطه تفاوت چشم گیری با جاهای دیگر داشت. به خوبی معلوم می شود که در اینجا آتش سوزی مهیبی رخ داده است و آتش منطقه وسیعی را در بر گرفته و همه چیز را به کام خود کشیده است. با وجود گذشت صدها سال آثار عذاب الهی در این نقطه کاملاً نمایان بود. ما برای دیدن منطقه ای آمده بودیم که عذاب الهی در آنجا نازل شده است و برای عبرت دیگران ذکرش در قرآن آمده است، اما احساس عجیبی به ما می گفت که نمی توانیم زیاد در آنجا بمانیم. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نیز توصیه فرموده اند که در جایی که عذاب الهی نازل شده است زیاد درنگ نکنید. ما هم با استغفار از آنجا دور شدیم.

کوهی به طرف پایین سرازیر شدیم. در این لحظه با منظره هولناکی روبرو شدیم؛ تمامی زمینها و کوه‌هایی را که تا آن نقطه پشت سر گذاشته بودیم رنگ طبیعی داشت، اما این نقطه که مشهور است که محل همان باغی است که بر آن عذاب الهی نازل شده، خاکش کاملاً سیاه و سوخته است، و تمام آن منطقه پوشیده از سنگهای نوک تیزی بود که راه رفتن را مشکل می ساخت. نقاط زیادی در دنیا وجود دارد که خاکش به رنگ سیاه است (مانند زمینهای حره که در اطراف مدینه منوره قرار دارند) اما این نقطه تفاوت چشم گیری با جاهای دیگر داشت. به خوبی معلوم می شود که در اینجا آتش سوزی مهیبی



رخ داده است و آتش منطقه وسیعی را در بر گرفته و همه چیز را به کام خود کشیده است. با وجود گذشت صدها سال آثار عذاب الهی در این نقطه کاملاً نمایان بود. ما برای دیدن منطقه ای آمده بودیم که عذاب الهی در آنجا نازل شده است و برای عبرت دیگران ذکرش در قرآن آمده است، اما احساس عجیبی به ما می گفت که نمی توانیم زیاد در آنجا بمانیم. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نیز توصیه فرموده اند که در جایی که عذاب الهی نازل شده است زیاد درنگ نکنید. ما هم با استغفار از آنجا دور شدیم.

شیخ عبدالوهاب، نایب رئیس جامعه الایمان، به همراه جمعی از همکارانشان برای بدرقه ما به فرودگاه آمده بود و تا کنار پلکان هواپیما ما را همراهی کردند. بعد از دو روز اقامت در یمن با خاطرات بیادماندنی و دستاوردهای با ارزشی صنعا را به مقصد کراچی ترک کردیم.

تصمیم گرفته شد که یکی از میزبانان گذرنامه، بلیط و بقیه وسایلم را قبل از پرواز به فرودگاه برساند و من از این فرصت استفاده کرده و به منطقه ضروان بروم و از آنجا مستقیماً به فرودگاه بروم.

بعد از نماز عصر از هتل خارج شدیم، دکتر سلمان ندوی در این سفر ما را همراهی می کرد. وقتی از اتوبان منتهی به فرودگاه به جاده فرعی ضروان رسیدیم، خورشید کم کم داشت پشت یکی از کوههای اطراف غروب می کرد. شیخ عادل گفت: آن کوهی که خورشید در پشت آن در حال غروب

کردن است «ضین» نام دارد. شیخ عادل به نقل از یکی از اساتیدش می گفت که وقتی حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم به حضرت و بر بن یحس رضی الله عنه دستور ساخت مسجد را دادند به او گفتند که قبله مسجد را به سوی کوه ضین قرار دهد<sup>(۱)</sup>، با غروب خورشید در پشت کوه ضین این مطلب کاملاً روشن می شد

که قبله درست به سمت کوه ضین واقع شده است. دو طرف جاده را تپه های کوچک و بلندی فرا گرفته بود که در میانشان روستاهای زیادی قرار داشت. و درختان بی شماری که همه از یک نوع بودند منطقه را پوشانده بود. در مورد آنها از شیخ عادل سؤال کردم او گفت که آنها درخت «قات»<sup>(۲)</sup> هستند؛ قات درختی است با برگهای پهن و بزرگ، و اهل یمن مانند سیگار به جویدن آن معتاد هستند. یمنی ها معمولاً قات را بعد از صرف غذا استفاده می کنند و استفاده از آن چندین ساعت به طول می انجامد. بعضی از علماء قات را جزو اشیای نشئه آور قرار داده و استفاده آن را ناجایز می دانند، اما اکثر علما معتقدند قات نشئه آور نبوده، ولی به علت تضييع وقت استفاده از آن ناجایز است. قات یکی از گران ترین محصولات کشور یمن است و حفاظت و نگهداری از این محصول هزینه های هنگفت و برنامه ریزی خاص خود را می طلبد.



**دستاورده‌های این سفر**

مدت اقامت من در یمن بسیار کم بود و آنگونه که دلم می‌خواست نشد؛ من نتوانستم به مآرب بروم، می‌خواستم جاهای مختلف کشور یمن را از نزدیک ببینم بالخصوص مناطقی را که حضرت رسول اکرم دو تن از صحابه بزرگوار یعنی معاذبن جبل و ابوموسی اشعری رضی الله عنهما را به عنوان حاکم و معلم به آنجا فرستاده بود. این دو منطقه به نامهای «جند» و «زبید» مشهوراند. جند مرکز حکومت و تعلیم حضرت معاذبن جبل رضی الله عنه بوده است، مسجدی را که ایشان در این منطقه بنا کرده‌اند تا هنوز باقی مانده است. زبید وطن اصلی حضرت ابوموسی اشعری رضی الله عنه بود و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز ایشان را به عنوان حاکم و معلم به این منطقه فرستاد. سومین شهر مهم یمن «حضر موت» است؛ حضرت وائل بن حجر رضی الله عنه از ساکنین این شهر بود است. هر سه این مناطق در فاصله دوری از شهر صنعاء واقع شده‌اند و رفتن به این شهرها وقت زیادی می‌طلبد.

قبلاً به این نکته اشاره کردم که در عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه رضی الله عنهم یمن به منطقه وسیعی اطلاق می‌شده اما بعدها به چندین قسمت تقسیم شده است. یکی از این تقسیمات که بزرگترین بخش جدا شده از یمن به شمار می‌رود کشور عمان است که امروزه یکی از کشورهای پهناور عربی است. قسمت دیگر آن نجران است که امروزه جزو کشور عربستان سعودی است. قسمت سوم عدن است که مدتها تحت استعمار انگلستان بود و پس از استقلال به یمن جنوبی معروف شد و چند سالی است که با بخش دیگر یمن متحد شده است. از آنجایی که ذکر این سرزمین در قرآن و حدیث آمده و از نظر تاریخی اهمیت زیادی دارد وابستگی قلبی مسلمانان به آن امری طبیعی است. از سوی دیگر مردم یمن تا به امروز نیز فضای دینی را در این سرزمین نسبت به بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر حفظ کرده‌اند.

پایبندی به خواندن نماز، روزه گرفتن، اخلاق خوب، میهمان‌نوازی و رعایت حجاب از سوی زنان از صفات بارز و مشهود مردم یمن است. طی این دو روز در خیابانها و بازار شهر صنعاء حتی یک زن بی حجاب به چشم نیامد.

اکثر مردم یمن پیرو مذهب «شیعه زیدی» هستند که از معتدل‌ترین و نزدیکترین فرق شیعه به اهل سنت است. شیعیان زیدی با وجود قایل بودن به افضلیت حضرت علی رضی الله عنه، به تمام صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم احترام می‌گذارند و هیچ‌گونه بی‌احترامی‌ای را به آنان روا نمی‌دارند. مسلک فقهی آنان به احناف خیلی نزدیک است.

تعداد زیادی از ساکنین یمن را شوافع تشکیل می‌دهند و پیروان علامه شوکانی نیز زیاد هستند. خوشبختانه هیچ‌گونه تعصب مذهبی‌ای که باعث درگیری بین فرق ساکن یمن گردد دیده نمی‌شود. تمامی مردم یمن با اتحاد و اتفاق کامل آزادانه به مسلک خویش عمل می‌کنند. تا چندی قبل حکام یمن از میان علماء تعیین می‌شدند، اما با فراگیر شدن نظام جمهوری غربی در جهان سیستم حکومتی یمن نیز به غرب متمایل شده است. مردم یمن از حکام خود راضی نیستند. بیشتر نارضایتی از این بابت است که آنها معتقدند سیاستمداران و دولتمردان درآمدهای کشور را در راه‌های درستی هزینه نمی‌کنند، بلکه آن را در راستای منافع شخصی خویش حیف و میل می‌کنند. شاید به همین دلیل است که یمن با وجود داشتن ذخایر نفت و گاز در میان کشورهای عربی یکی از عقب‌افتاده‌ترین کشورها محسوب می‌شود. جمعیت زیاد این کشور نسبت به دیگر کشورهای عربی، با استفاده نابجا از درآمدها و سرمایه‌های آن موجب گشته این کشور از نظر پیشرفت اقتصادی و علمی راکد بماند.

این امر همچون بسیاری از کشورهای اسلامی که مردم از دولتمردان خود راضی نبوده و در میان دولت و مردم شکاف وجود دارد در یمن نیز مشاهده می‌شود و درآمدها و سرمایه‌های کشورشان به جای اینکه صرف آسایش، رفاه و پیشرفت آنان شود صرف اهداف شوم دیگران می‌شود. خداوند عزیز با فضل و کرم خود تمامی این اوضاع نابسامان را که در واقع علت اصلی آن خرابی اعمال خود ما است از میان ما دور سازد و شاهد روزی باشیم که باری دیگر جهان اسلام قیادت و رهبری دنیا را به دست گیرد.

**پاورقی**

- (۱) البکری، معجم ما استعجم، ۸۴۳/۲.
- (۲) الحموی، معجم البلدان، ۲۶/۴.
- (۳) حافظ ابن حجر، الاصابه فی تمیز الصحابه.
- (۴) الاصابه، ۲۰۵/۳.
- (۵) شوکانی، البدرا الطالع، ۹۲/۳.
- (۶) الاصابه، ۶۳۰/۳.
- (۷) مجمع الزوائد به حواله طبرانی.
- (۸) تفسیر ابن کثیر، ۴۰۶/۴.
- (۹) أخرج ابن السکن و ابن منده من طریق عبدالملک بن عبدالرحمن الذماری أن وبر بن یحس هو الذی أمره النبی صلی الله علیه وسلم ببناء هذا المسجد و أمره بأن يجعل قبلة الجامع الی جبل ضین.
- (۱۰) برگهای این درخت را می‌چوند و عصاره آن دارویی محرک است. فرهنگ معاصر، نوشته هانس ور ترجمه آذرتاش آذرنوش، ص: ۵۶۳.